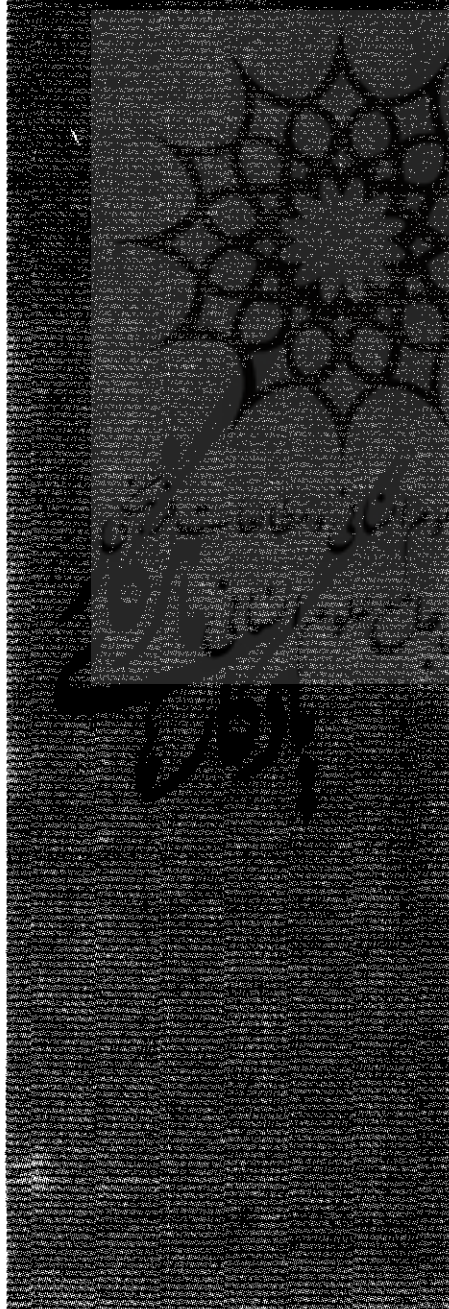
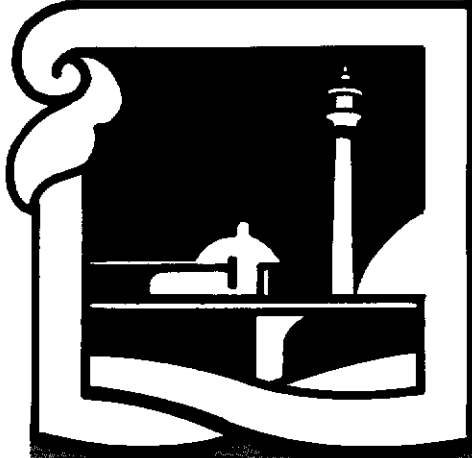
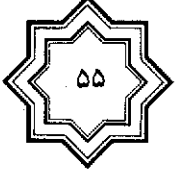
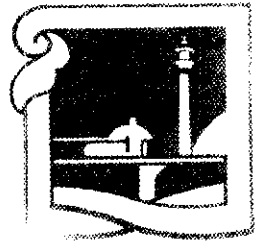


میراثِ ابدان

سال چهارم - شماره ۱



پیشگاه
رتال



وقف نامه مدرسه مروی تهران

رضا استادی

مدرسه از آغاز تا امروز توضیح داده شده که علاقه مندان می توانند به آنجا رجوع کنند.

هنگامی که مشغول تدوین آن فهرست بودم وقفنامه مدرسه را در میان نسخه های خطی نیافتم و پس از استعلام روشن شد که وقفنامه در اختیار متولی محترم مدرسه است، اما توفیق زیارت آن حاصل نشد.

سه چهار سال قبل که برای بازدید از تعدادی از نسخه های نفیس مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) به آن کتابخانه دعوت شده بودم، در بین نسخه ها رونوشت وقفنامه مدرسه مروی نظرم را جلب کرد و نسخه ای از آن برای خود تهیه کردم، البته در این وقفنامه صورت بخشی از موقوفات مدرسه مروی ثبت شده است نه همه آنها. به تاریخ تهران بلاغی رجوع شود.

این نسخه ۴۸ صفحه است به این شرح:

صفحه اول: شناسنامه نسخه

نام کتاب: وقفنامه مدرسه مروی

نام مؤلف: محمد حسین خان مروی (البته این مطلب اشتباه است، زیرا وقفنامه انشاء ایشان نیست)

موضوع: وقفنامه

نام واقف: میرزا حسین خان سپهسالار

تاریخ کتابت: ؟

.....

صفحه دوم سفید، و در صفحه سوم، این دو عبارت را می بینیم:

۱- سواد وقفنامه مدرسه خان مروی، طاب الله ثراه که جزو کتابخانه نواب مستطاب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده اجل اکرم اعظم اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن، دام اجلاله العالی، گردید، فی شهر ذی قعدة الحرام سنة ۱۲۹۷. (مهر اعتضاد السلطنه)

۲- هوالله تعالی. سواد وقفنامه مدرسه خان مروی در یوم جمعه ۱۵ شهر ذی حجة الحرام سنة

طلبگی این فقیر تقریباً از مدرسه مروی شروع شد و تا سالیانی با این مدرسه مانوس بودم. در آن دوره مدرسانی بسیار قوی و ورزیده داشت. مرحوم سید صدرالدین جزائری کفایة الاصول می گفت، مرحوم سید صدرالدین قمی معالم الاصول و غیره، مرحوم حاج شیخ اسماعیل جابلقی، مرحوم حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، مرحوم عماد رشتی، مرحوم حاج شیخ عبدالرزاق قائینی، مرحوم زیارتی، مرحوم سید نورالدین طالقانی، مرحوم آیت الله شهید مطهری، مرحوم آیت الله حاج میرزا باقر آشتیانی، مرحوم حاج شیخ رضا طهرانی مؤلف دوره فقه چاپ شده، مرحوم حاج میرزا علی حصه ای اصفهانی واعظ، حاج آقا باقر قمی و دو استاد بزرگ، آیت الله جوادی و آیت الله حسن زاده آملی، دامت برکاتهما. همه این بزرگان در این مدرسه افاده و افاضه و رفت و آمد و یا سکونت داشتند. شرایط بسیار خوبی بود، اما حیف و صد حیف که در آن روزگار آن طور که باید و شاید استفاده نمی شد.

پیش از این دوره، این مدرسه از حیث استاد و زمینه تحصیل وضع خیلی بهتری داشته و به راستی مجمع افاضل و اکابر و اساتید بوده است و در حال حاضر هم با عنایت و تولیت و نظارت حضرت آیت الله مهدوی کنی، دامت برکاته، جزء مدرسه های فعال و موفق است. کتابخانه این مدرسه که دارای حدود هزار جلد نسخه خطی است، مانند بسیاری از کتابخانه های دیگر، فهرست مناسبی که زمینه استفاده محققان و مؤلفان را از این نسخه ها فراهم کند نداشت و بارها لزوم تدوین این فهرست گوشزد می شد تا اینکه قرعه فال به نام من بیچاره زدند و چند سال قبل با دو هفته اعتکاف شبانه روزی در آن کتابخانه، و چند ماه وقت گذاری در قم، فهرست تنظیم و منتشر شد.

در مقدمه آن کتاب که نامش فهرست نسخه های خطی مدرسه مروی طهران است تا حدی درباره مدرسه و بانی و مؤسس آن، مرحوم محمد حسین خان مروی و متولیان



منشی طبع صبا از پی تاریخش گفت
 که مدرس سزد این مدرسه را ادرسی (۱۲۳۱ هـ ق)
 و نیز حدود شصت بیت عربی از معصوم بن
 عیسی الحسینی (نگارنده حدس می زند اصل این وقفنامه
 انشاء همین شخص باشد) بیت آخرش این است:

قلت لها مورخاً اذ رصّفت
 ويحك من جنة عدن ازلقت (۱۲۲۹ هـ ق)
 و چون مدرستین در طول چند سال ساخته شده هر دو
 تاریخ باید صحیح باشد.
 از صفحه ۱۴ تا ۴۱ در شش مورد صورت موقوفات
 متعلقه به این مدرسه و قباله جات آن یاد شده که در این
 مقال، آن شش مورد تحت عنوان شش بخش پس از پایان
 وقفنامه آورده شد.

- بخش اول: کتابهای خطی کتابخانه مدرسه؛
- بخش دوم: املاک موقوفه مدرسه؛
- بخش سوم: املاک مربوط به چاه منبع آب و غیره؛
- بخش چهارم: قباله جات املاک موقوفه؛
- بخش پنجم: وسایل و اسباب موقوفه مربوط به حیاط
 خلوت؛
- بخش ششم: وسایل و اسباب موقوفه بر مدرسه
 کوچک،

۱۲۹۷ در عداد کتب موقوفه مسجد و مدرسه
 ناصری (نام دیگر مدرسه سپهسالار) معدود، و به
 کتابخانه مدرسه مزبوره داخل گردید و صیغه وقف
 آن مطابق شروح و شروط مندرجه در وقفنامه
 مسجد و مدرسه جاری شد فصار وقفا صحیحا ...
 لوی نیل ۱۲۹۷ (مهر کتابخانه مدرسه ناصری و
 مهر دیگر وقف که نام واقف یعنی حاج
 میرزا حسینخان سپهسالار نیز در آن درج است.)

صفحه چهارم سفید، صفحات ۵ تا ۷ شامل انشائی
 است از زبان فتحعلیشاه در تمجید از خود و نیز از خان
 مروی و مدرسه او و نیز توصیه به معاف بودن این مجموعه
 موقوفه از تکالیف و تحمیلات.

از صفحه ۸ تا وسط صفحه ۱۴ انشائی است (شاید
 به قلم معصوم بن عیسی الحسینی که نامش را در بخش
 آخر وقفنامه می بینیم) به نثر و نظم در تمجید و مدح مرحوم
 خان مروی.

از وسط صفحه ۱۴ تا وسط صفحه ۴۱ اصل وقفنامه
 است که در این مقال از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

از وسط صفحه ۴۱ تا صفحه ۴۸ ستایش و مدحی
 است از مدرسه و بنا و بانی آن به نظم، شامل هفده بیت
 فارسی از فتحعلیخان ملک الشعرا متخلص به صبا و بیت
 آخرش این است:

و این است اصل وقفنامه با مقدمه و مؤخره اش از ص ۱۴ تا ص ۴۱:

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و ستایش پروردگاری را سزااست، تعالی شأنه و بهر برهانه، که با چیره دستی خویش، نیست ها
 هست کرد، عدم ها به وجود آورد، مثنی خاک را نخست جان داد، و زبان بیان گشاد، تاج تکریم بر سر و
 لوح تعلیم بر در نهاد، پس راه معرفتش با مایه طاعت نمود، و فرشتگان را که نور پاک اند به سجودش فرمود،
 علم داد و عمل خواست، دل ها به نور یقین آراست.

پس، از نسل او پیغمبران را به علم و عمل پیش دید، و بر ابناء نوع برگزید، (و همی از این سان)^(۱)

۱- جمله این طور خوانده شد
 و شاید درست خوانده نشده
 باشد.



برخی را از ایشان، چون خلیل و نوح و کلیم و روح، پایه‌ها به اندازه مایه‌ها بر افزود، تا چون نوبت اصطفای به حضرت مصطفی، علیه التحیه و الثناء، رسید، جنبش را که بسط نور شهود بود، غایت بسط وجود، مرآت حق، مصداق صدق، معنی اعجاز، مفهوم امتیاز، فیض اعم، قدرت اتم، علم هدی، رحمت خدا، ختم رسل، هادی سبیل، به علو مدارج و رفعت معارج بر ماسوی مقدم داشت، و لوای کرامت برافراشت. تخت عرش، تاج قرب، طوق کرامت، اختر شفاعت، صدر صفا، مسند اصطفای را به وجود شریفش بیاراست، و از لطف خاصش رتبت اختصاص خواست که درود خدای بر روان پاک او و فرزندان و خاندان و یارانش همی باد، که پرتو شمع قدس اند و شمع انجمن انس، شرع^(۲) کشتی وجودند و کشتی دریای وجود، عنوان دیوان بینش اند و فهرست کتاب آفرینش، خاصه باب مدینه علم، نبأ عظیم، صراط مستقیم، روح صفی، سفینه نجی، روضه خلیل، بیضای کلیم، نفس مسیح، حبیب حبیب، صلوات الله علیهم ما زمجر^(۳) الرعد و أرمض^(۴) البرق و لمع و برق و مانجی محبهم و هلک من تخلف عنهم و مرق.

بر روان دانشوران پوشیده نماناد که ایزد تعالی هر که را دیده تحقیق روشن کند، و به فضل خویش برگزیند، مجمع محاسن شمائل شود و جامع مکارم خصائل، مظهر بدائع آداب آید، ...^(۵) کارش همه رضای حق باشد، شغلش جمله رفاه خلق، راه طاعت پوید، رتبت قرب جوید، ابر عطا بارد، تخم رجا کارد، لذت فانی کاهد، نعیم باقی خواهد، در اوضاع زمان، و اطوار زمین همی به چشم عبرت نگرد، ثواب آجل بر نعمت عاجل مقدم شمرد.

یری عبیة فی الدهر عبیة معجلاً فیوثر عبیة عند باریه الأعلی

و چون پروردگار عز و علا، وجود اکرم و ذات اشرف، صاحب و خدواند معظم، اکفی الکفاة، صدرالولایة، مجد الأمراء، مرجع الخواص، زین الافاخم، شرف الملک، تاج المفاخر، قطب الاتطاب، نظام العالم، جمال الدنیا، ناصر الدین، معز الاسلام، کفہ الانام، غوث الملة، فخرالدولة، البازل الحلال^(۶)، والبازل المساحل^(۷)، القرم الهمهام^(۸)، و البطل القمقام^(۹)، الامیر الاجل الاعدل الاعز الاخص الاوحد المختار، ابوالفضل و العز و الاقتدار الحاج محمد حسین خان^(۱۰).

عار من العار کاس من علی و تقی
مولی موالی الارض من فی وجهه
بدر محیا وجهه الاسنی لنا
من اسرة شرفت و جلّت و اعتلت
رووا^(۱۱) الامارة کابراً عن کابیر
لله درفتی عار من العار
مقباس نور ایما مقباس
مغن من القسمرین و السبیراس
من أن یقاس علاؤها بقیاس
بصحیح اسناد بلا الباس

ادام الله ظلالة و ابد نواله را که مجمع مواهب الهی است، جامع مراتب آگاهی، کاشف حقایق مطالب، و ...^(۱۲) معضلات مآرب، واقف دقائق امور، عارف ادوار و دهور، مصدر خیرات، منبع مبرات، ابر عطا، بحر سخا، قلزم مفاخر، عمان مکارم، به کمال کفایت، و فرط درایت، و جمع آثار نیک، و بسط بواعث خیر، و اقتنای جلائل مآثر، و اقتضای مراسم اکابر.

از همگنان به فضل و رحمت خویش برانگیخت، و جان پاکش با خرد پیامیخت، همی خواست تا حضرتش مقصد آمال قبایل گردد، محط رحال افاضل شود، کسب قرب حق کند، مطمح نظر خلق آید، از این سبب اوقات حضرتش را صرف رضای خویش خواست، و روان روشنش به نور یقین بیاراست، رأی زرینش به تربیت طالبان گماشت، و خاطر شریفش به تکمیل متعلمان بازداشت، تا فواید این، نیز زاوید عواید جنبش گردد، و حسنات آن هم، مزید درجات حضرتش شود، ﴿والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم﴾.

ففاق علی الأفاق عزاً و رفعةً و مجدأ و إسعاداً و زهواً^(۱۳) و مفخراً

زهی قوت نفس شریف، و کمال فطرت علیا، که با اقبال دنیا هرگز جز به حقارت بر وی نظر نیارد، و ملک روی زمین در پیش دیده دوربین به چیزی نشمارد، توانگران را به خردی نگرد، با درویشان جز راه تواضع نسپرد، هر چه گوید عدل و صواب است، آنچه کند خیر و ثواب.

اینک بهشتی بنا کرده، فردوسی برافراشته، که فضایش ...^(۱۴) جنان است، هوایش مایه جان، جنانی در

کسوت خاک است، جانی از آرایش پاک. تراها ارق من الهوی، و هواها اصفی من الصفا.

حمی فیہ للادنین مرعی و مترع^(۱۵) کما فیہ للأقصین مروی^(۱۶) و مشیع

- ۲- شرع: یادبان کشتی.
- ۳- زمجره کل شیء صوته.
- ۴- ارمض: احرق.
- ۵- در اینجا جمله ای است که درست خوانده نشد.
- ۶- الحلال: السید فی عشرته؛ الشجاع التام.
- ۷- الباسل: الأسد.
- ۸- القرم: السید. الهمهام: الخطیب البلیغ و الشجاع.
- ۹- القمقام: السید الکثیر العطاء.
- ۱۰- معروف به خان مروی و فخرالدوله که مدرسه وی به مدرسه فخریه و مدرسه مروی و مدرسه خان مروی معروف است.
- ۱۱- کذا فی الاصل. و شاید اورثوا صحیح باشد.
- ۱۲- در اینجا کلمه ای است که درست خوانده نشد.
- ۱۳- زهو: نورافشانی و اضاة.
- ۱۴- یک کلمه درست خوانده نشد.
- ۱۵- شاید «ترع» صحیح باشد.
- ۱۶- محل سیراب شدن.



﴿فیهما ما تشبیه الانفس و تلذ الاعین و هم فیها خالدون﴾، ﴿فیهما کتب قیمة﴾ و ﴿سرر مرفوعة و اکواب موضوعة و نمارق مصفوفة و زرابی مبنوثة﴾^(۱۷).
و سمیت «مدرسة الفخرية» لفخر بانیها علی البریة، و لعمری آتھا حریة بذاک الاسم، کما الروح حری بالجسم، کیف لا وقد احتوت ما لا یحویه الفکر، و لا ینتهی الیه البصر، من حیاض و ریاض، و حجرات و خلوات، و بدائع صنائع، و لطائف ظرائف ما لاعین رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر، و کیف یؤتی به فی الکلام، ﴿ولو ان ما فی الارض من شجرة اقلام﴾^(۱۸).

فما حلت عین الزمان بمثلها
و حاشاله من ان یحین نظیرها
یقول الأولى قد فوجئوا بدخولها
و حیرهم تحبیرها و حبیرها
افی کل قطر غادة و حلّیها
و فی کل سمت روضة و غدیرها
معظمة الا اذا قیل سمکها
سأحمیک ما ضمّ اللیالی کرورها
و قال لها الله الرفی صفاته
أهنتک بالعمران و العمر دائم
لبنیک ما افنی الدهور ضرورها^(۱۹)

تا طالبان در آن جای گیرند، و محصلان مقام گزینند، ﴿و ما منهم الا له مقام معلوم﴾^(۲۰)، اوقات صرف تحصیل دارند، ایام به کار تکمیل گزارند، دمی جز به مطالعه کتب و مباحثه علوم نپردازند، دقیقه ای از دقائق تعلیم و تعلم مهمل نسازند.

و هم در آن صحن وسیع و فضای جان فزا، مسجدی رفیع برافراشت، و همت علیا به ترصین و توسیع آن گناشت، کی ﴿یسبح له فیها بالغدو و الاصل، رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله﴾^(۲۱)، و قدمت علیه الفضل، و کمل به البذل، فرحب الفضاء و اتسع البناء، ﴿حتی إذا جاؤوها و فتحت أبوابها، قال لهم خزنتها سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین﴾^(۲۲).

پس در زمانی شرف روزگار، و ساعتی سعادت ادوار، که سعود کامل، و نحوش زائل، شوائب فتن مرتفع، اساس دولت مجتمع بود،

یوم تخضع اشکال السعود له و الدهر ممثل و الجّد^(۲۳) مطواع

حضرت سپهر بسطت، صاحبی داعی، دامت دولته، را تمامت همت علیا و قصارای عزیمت عظمی، به احاطه مراسم سعادات، و نشر جلال مبرات توجه داشت، تقرب وسیله رضا، و تمهید مائده رجا، و تفتیش طریق قرب، و جلب نعمت قبول، و توثیق امل، و استعفاء زلل، و تعظیم شعائر، و تفخیم شرافع، و اقتضای شرع هدی، و امثال مثال خدا را حیث قال عزّ و علا: ﴿و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر املاً﴾^(۲۴).

و قد أجمع الخاصة و العامة من محققی المفسرین بأن المراد منها اعمال البرّ و الطاعات التي یرجى بقاء ثوابها ابدأ کابنیة الخیر من المساجد و القناطر و المصانع و غیر ذلك.

و قال الشهید ره: «وهی القرب کلها»^(۲۵) فیدخل فیها ما کان وصلة الی ذلك کعمارة المساجد و معونة المحتاجین و اصلاح نظام العلم و الدین.

قد اجمعوا علی أن قوله تعالی: ﴿فی سبیل الله﴾^(۲۶) عند عدّ مصارف الصدقات، هو الخیرات الباقیة کالمساجد و المدارس و القناطر و الخانات و الحمامات و أمثال ذلك.

و ما روی عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «من أعان طالب العلم و لو بالقلم المكسور فکأنما زار الکعبة سبعین مرّة»^(۲۷). و ما روی عن امیر المؤمنین علیه الصلاة و السلام: «خیر المال ما أنفق فی سبیل الله»^(۲۸).

وقف مؤبد و حبس مخلد فرمودند، قربه الی الله و طلباً لمرضاته، یک باب مدرسه بزرگ واقعه در مقابل دولت سرای خود را [که] لغایة الشهرة مستغنی از تحدید و توصیف است از مدرس و حجرات بزرگ و کوچک و ما یتعلق بها از کتب و فروش و ظروف و غیرها به تفصیل آتی^(۲۹) بر طلبه علوم دینی و متعلقات آن از مقدمات علوم،

و مسجدین صیغی و شتوی^(۳۰)، و میرز^(۳۱) و حوض های واقعه در صحن مدرسه و میرز را بر طلبه و سایر مسلمین و انبار واقع در دهلیز مدرسه را به حراست ظروف و فروش^(۳۲) و سایر اسباب و متعلقات مدرسه و مسجدین و اسباب طلبه.

۱۷- اقتباس از آیه ۷۱ سوره زخرف و آیه ۳ سوره یس و آیات ۱۳ تا ۱۶ سوره غاشیه است.

۱۸- اقتباس از آیه ۲۷ سوره لقمان است.

۱۹- شاید برخی کلمات این چند بیت درست خوانده نشده باشد.

۲۰- اقتباس از آیه ۱۶۴ سوره صافات است.

۲۱- اقتباس از آیه ۳۶ و ۳۷ سوره نور است.

۲۲- اقتباس از آیه ۷۳ سوره زمر است.

۲۳- الجّد: الحظّ

۲۴- کعبه: ۴۶.

۲۵- شرح لمعه کتاب زکاة ص ۱۷۳، ج ۱، چاپ سنگی.

۲۶- توبه: ۶۰.

۲۷- ماخذ حدیث یافت نشد.

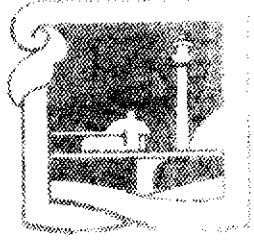
۲۸- در حدیث دیگری از علی علیه السلام: «خیر الاموال ما اعان علی المکارم».

۲۹- به بخش اول بعد از پایان و قفنامه رجوع کنید.

۳۰- تابستانی و زمستانی.

۳۱- میرز: مبال و موضع قضاء حاجت.

۳۲- فرش ها.



و مطبخ واقعه در زاویه مدرسه را به طبخ طلبه، و کسانی که در اوقات شریفه تعزیه داری سید الشهداء، صلوات الله علیه، کنند و کسانی که طلبه را در مدرسه اطعام نمایند.

و دو حجره واقعه در دهلیز مدرسه واقعه در سمت آيمن را بر مؤذن و آبدستاندار^(۳۳)، و سمت آيسر بر خدام مدرسه، و با عدم احتیاج ایشان بر طلبه.

و فقاً صریحاً لازماً دائماً باقیاً شرعياً اسلامياً بحیث جرت الصیغ و العقود مشتملة علی الايجاب و القبول و سائر الشرائط و القيود، و صار الجميع علی ما ذکر بحیث لایباع و لایشری و لایستبدل و لایوهب و لایرهن (ظ) و لایجرى علیه سوى الشروط المختارة بحضرة الواقف، سهل الله علیه الواقف.

و هم جناب واقف معظم، ادامه الله ملاذاً للامم، ضمن العقد چند شرط شرعی فرمودند:

[۱] محصلین علوم شرعی که مدرسه وقف است بر ایشان، باید ساعی باشند در تحصیل علم، و هرگاه کسی است که نباید درس بخواند، در تدریس و تألیف کوتاهی ننماید.

[و] آنکه در هر یک از حجرات زیاده از دو نفر نیز ساکن نگردند، مگر پنج حجره کوچک، که چهار از آن در جنبین دو ایوان شرقی و غربی است، و یکی از آن متصل به مدرسه کوچک جدید، که یک نفر می باشد.

[۲] آنکه طفل غیر ممیز را در مدرسه جای ندهند، و صبی ممیز را نیز در هر حجره زیاده از یک نفری نیز جای ندهند.

[۳] آنکه با وجود امکان، در هر یکی از حجرات، هر شب یک نفر از محصلین بیتوته کند که حجره خالی نماند.

و هرگاه یکی از محصلین غایب شود اگر بدون عذر شرعی است، از آن پس، او را در آن حجره حقی نیست، و با وجود عذر شرعی قبل^(۳۴) از انقضای چهل روز او را دیگر حقی نیست و باید به دیگری داده شود.

[۴] هر یک از طلبه با عدم عذر شرعی هر روزه افلاً یک حزب کلام الله مجید تلاوت کنند.

[۵] آنکه کتابی از کتب موقوفه را خواه از اهل مدرسه و خواه خارج، احدی بی اذن متولی و ناظر و اطلاع مدرس و جمعی از ثقات طلبه بیرون نبرند، و با اذن و اطلاع هم پیش از یک شبانه روز در خارج نگاه ندارند، مگر متولی، که با مصلحت شرعی زیاده بر این هم می تواند.

[۶] آنکه طلبه در دادن کتاب به یکدیگر مضایقه نکنند، و مهما امکن کتب را معطل نگذارند، و در حفظ کتب و فروش و ظروف اهتمام بلیغ کنند، و اگر کتابی یا فرشی یا ظرفی به تفریط من هی فی تصرفه یا غیر، تلف یا معیوب شود متولی با امکان، قیمت یا ارزش را از مفراط استیفا نموده در اصلاح یا تحصیل مثل مهما امکن، صرف کند.

[۷] آنکه اگر طالب علمی به هم رسد که در نظر متولی به جهتی از جهات شرعی اولی باشد از بعض ساکنین، متولی و ناظر را رسد که او را جای داده مرجوح را بیرون کند، و اگر بعد از اظهار متولی امتناع کند غاصب خواهد بود.

هشتم آنکه کسانی [که] وارد بر اهل مدرسه می شوند بیش از یک ساعت نگاه ندارند، مگر از محصلین علم باشند و با متولی و ناظر نزاع نکنند به جهت تصرف موقوفات.

و ایضا وقف مؤبد و حبس مخلد فرمودند به قواعد شرعی و ضوابط مرعیه، علی ما ذکر فی السابق، املاک و رقبات مفصله^(۳۵) ذیل را بر اهل مدرسه مرقومه که

اولاً یک عشر از منافع آن را متولی، و نیم عشر را ناظر، از بابت حق السعی برداشته، و نیم عشر از بابت حق التدریس به مدرس دهند، از آن پس، اگر مدرسه و مسجد تابستانی و مبرز و مطبخ و انبار و خود املاک و رقبات مذکوره و کتب و ظروف بدون تفریطی، یا با تفریط و عدم تمکن متولی از استیفای ارزش یا قیمت، معیوب یا تلف شده باشد تعمیر ما یجب تعمیره و اصلاح ما یجب اصلاحه و تحصیل عوض متلف، و موجب دو خادم و یک خادم باشی، و روشنایی مبرز، و مخارج مستمره املاک از قبیل بذر و مصالح الاملاک و موجب باغبان را مقدم داشته، باقی منافع آن را تخمیناً بر شهر^(۳۶) تقسیط کرده قسط هر ماه را در آخر آن ماه بر طلبه ساکنین مدرسه بر نهجی که متولی صلاح داند تقسیم کنند، و بر متولی است ترجیح الیق، و بر اهل مدرسه است بیان حال آن، و اگر سهم طلاب به علت قوت عدد آنها، یا فرضاً به سبب افزونی مذکورات از کفایت طلبه، یا سایر اسباب [کذا] از کفاف ایشان زیاده آید اضافه را صرف شراء یا استکتاب کتب اخبار

۳۳- آبدستاندار: آفتابه دار.

۳۴- بعد. ظ.

۳۵- به بخش دوم بعد از پایان وقفنامه رجوع کنید.

۳۶- ماه های سال.



معصومین، صلوات الله عليهم اجمعین، و کتب فقه قدما نمایند، و آن کتب را نیز به دستور^(۳۷) کتب موجوده وقف نموده صورت و قیمت را در جمله آن ها درج کنند.

و تعیین مدرس، مادام الحیاة، موکول است به نفس نفیس جناب واقف، ادام الله اقباله، و بعد از ایشان به اختیار متولی و ناظر، و با عدم مدرس مرضی، سهم مدرس را بیاید تا بر طلبه مدرسه تقسیم کنند. و خدمه را بیایست تا کمال سعی و اهتمام لایق در خدمات متعلقه به خود به جای آرند، و مهمما ممکن خدمات مدرس و طلاب را نیز به دستور الایم فالایم متوجه شوند.

و تولیت مدرسه و ما یتعلق بها و مسجدین و املاک و رقبات مرقومه را مفوض فرمودند به عالی جناب، و حقایق شرایع نصاب، افادت و افاضت انتساب، جامع الفروع و الاصول، حاوی المعقول و المنقول، میرزائی میرزاسیح^(۳۸) خلف مرحوم ملا بابای استرآبادی، اعلى الله درجتها، [کذا] مگر کتب موقوفه که تولیت آن مادام الحیاة با خود جناب واقف، ادام الله عزه، می باشد، و بعد از ایشان با متولی معزى الیه، و بعد از او تولیت مذکورات عموماً مفوض است به مجتهد جامع الشرائط دارالسلطنه طهران، ما تعاقب الاوقات و الازمان، و بر فرض فقدان مجتهد جامع الشرائط در آن، موکول است به اعلم و اتقای علمای بلده مذکوره به شرط اقتدار، و با عدم اعلم مقتدر در آن، به عالم عادل مقتدر دارالسلطنه مذکوره.

و متولی و ناظر را بیاید که در هر شش ماه یک بار جمعی از ثقات طلبه را بر اعیان کتب موقوفه مطلع سازند و نظارت مدرسه و سایر موقوفات را محول فرمودند به عالی جناب مقدس القاب، ملا محمد علی طهرانی^(۳۹)، و مراد از نظارت، نظر کردن در موقوفات است از مدرسه و آنچه وقف بر اهل مدرسه شده از کتب و غیره، و در موقوف علیهم.

و هرگاه در امور متعلقه به مدرسه خلافي در میان متولی و ناظر واقع شود متولی مستقل است و بعد از فوت ناظر، نظارت به ولد اوست بطناً بعد بطن، هرگاه عادل بصیری باشد، و الا به عادل بصیری که حاکم شرع تعیین نماید، و هرگاه حاکم شرع معتذر باشد با عدول مؤمنان است تعیین ناظر.

و هرگاه در مدرسه نقصی واقع شود اولاً متولی را بیاید صرف منافع املاک موقوفه در آبادی آن ولو به سنوات عدیده، حتی یکم البناء و یتیم العماره، و مادام که بنای مدرسه به حالت اولی نرسد دیگری را جز متولی و ناظر و مدرس و خدام سهمی نباشد، و بعد از سهم اینها منافع مزبوره در مصرف مذکور صرف شود، و بر فرض عدم امکان تعمیر آن، کماکان متولی را بیاید که منافع املاک مذکوره را بعد از وضع حق التولیه، در شراء یا استکتاب کتب علوم دینی صرف، و بر طالبان آن وقف نماید، و در این صورت کتب موقوفه نیز وقف است بر طلبه متدین دارالسلطنه طهران، و فروش و ظروف مذکوره بر مدارس و مساجد آن، علی ما یرتضیه المتولی فی ذلک الوقت.

و چون جناب واقف مکرم، ادام الله نظاماً للعالم، به احتیاط قلت آب، چاه منبعی متصل به مدرسه برای مصارف طلاب و شرب حمامات موقوفه احداث فرمودند، و زمین آن به انضمام زمین مدرسه جدیده واقعه در یک زاویه مدرسه بزرگ، وقف سرکار چهارده معصوم، علیهم التحية و الثناء، بود لهذا زمین مزبور را از مجتهد جامع الشرائط که نایب عام امام است، علیه السلام، موافق اجاره نامه علی حده صدساله اجاره فرمودند، و برخی دکاکین به موجب تفصیل ذیل^(۴۰) خریداری، و مقرر داشتند که هر ساله بعد از وضع مال الاجاره زمین و یک عشر حق التولیه و نیم عشر حق النظاره، منافع املاک در مصرف منبع و کاو^(۴۱) چاه، و روشنایی مسجدین مدرسه و مواجب مؤذن و فروش آن صرف شود.

و تولیت آن نیز به دستور، با متولی مدرسه بزرگ است.

و چنانچه مداخل این املاک در سنوات آتیه بر مخارج مذکوره زیادتی داشته باشد، اضافه را متولی به احتیاط خرابی چاه منبع و قیمت کاو و غیره ضبط کند، و اگر فرضاً منافع این املاک از مخارج معینه کم آید متولی را بیاید کاستن از مخارج، بر وجهی که رأی او اقتضا کند تا به حدی که مداخل با مخارج موافق شود.

و تفصیل قباله و بنجقهای مزارع و رقبات از قراری است که در ذیل مرقوم می گردد^(۴۲)

و باید قباله جات مسطوره نیز به استحضار متولی به انضمام کتب در کتابخانه مدرسه و نزد ناظر، محفوظ و مضبوط بوده عند الحاجة بدان رجوع شود.

و وقف نمودند جناب واقف امجد، ادام الله دوام الابد، خلوت^(۴۳) واقعه در یک زاویه مدرسه را که مشتمل بر اطاق بزرگ، و دو زاویه کتابخانه، و یک حجره برای گذاشتن ظروف و سایر متعلقات خلوت، و یک

۳۷- دستور: قاعده و قانون و آیین و روش.

۳۸- شرح حال ایشان را در مقدمه فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه مروی ببینید.

۳۹- شناخته نشد.

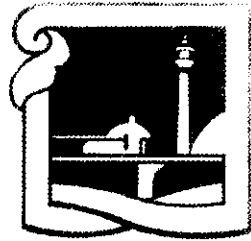
۴۰- به بخش سوم بعد از پایان وقفنامه رجوع شود.

۴۱- کاو: کندن.

۴۲- به بخش چهارم، بعد از پایان وقفنامه رجوع شود.

۴۳- حیاط خلوت:

سراچه ای در خانه که برای کارهای خاص کنند (لغت نامه دهخدا)



حجره به جهت قهوه خانه و خدمه آنجا، به انضمام فرش و ظرف آن که به موجب تفصیل ذیل است^(۴۴) بر حبیب ریب و فرزندخوانده لیب خود، میرزا اسماعیل خان^(۴۵)، آیده الله و سده و وقفه و ارشده، که در آنجا به تحصیل علوم دینی، و مقابله کتب، و تلاوت قرآن مشغول باشد و مهما ممکن در نظم امور طلبه و اعانت و رعایت ایشان، کماکان علیه الواقف، سعی و جهد کند، و بعد از او بر اولاد و احفاد او نسلأ بعد نسل، و بطناً بعد بطن، الی أن یرث الله الارض و من علیها و هو خیر الوارثین، به شرط صلاحیت و سداد و قابلیت و رشاد، و بر فرض عدم اولاد، یا عدم اتصاف به سمت رشد و سداد، بر خود متولی مدرسه یا دیگری که متولی مصلحت داند از مدرس مدرسه و غیره که به دستور، آنجا ساکن شود.

و باید که در دو ضلع اطاق بزرگ خلوت که کتابخانه مدرسه است تغییر نداده، بجز کلام الله و ادعیه و کتاب چیزی نگذارند.

و غیرذلک جناب واقف و الامقام، ادامه الله فی موقف الاحترام، زمینی را در ضلع مدرسه بزرگ که از موقوفات چهارده معصوم بود به مبلغی معین از مجتهد جامع الشرائط صد ساله اجاره فرموده، مدرسه کوچک را در جنب این مدرسه بنا فرمودند، و آن را نیز به دستور، بر طلبه علوم دینی وقف فرموده، برخی از املاک و کتب و فروش و ظروف جداگانه به تفصیل ذیل^(۴۶) بر آن وقف فرمودند و مقرر داشتند که مداخل املاک موقوفه آن را بعد از وضع حق التولی و النظاره اولاً چنانچه مدرسه مذکوره، و خلوت ضلع مدرسه، و سه باب خانه موقوفه، و مسجد زمستانی، و خود املاک و کتب و فروش و ظروف موقوفه محتاج به اصلاح و تعمیر باشد باید در مصارف مزبوره صرف نموده، از آن پس، باقی منافع را برحسب تقسیم ذیل در مصارف معینه تقسیم نمایند:

موجب یک نفر فراش مستحفظ خلوت مذکور و یک نفر خادم مدرسه و مسجد زمستانی و روشنایی خلوت داده شود و آنچه باقی ماند به وضعی که در مدرسه بزرگ مقرر است بر شهور تقسیم کرده، قسط هرماه را در آخر همان ماه بر طلبه تقسیم نمایند.

و تولیت آن را هم به دستور، به جناب متولی سابق الذکر، و نظارت آن را به عالی جناب مؤمی الیه با همان شروط و قیود، محول داشته، و صیغ شرعیّه بالعربیّه و الفارسیّه جاری شد.

فمن بدله بعد ماسمعه فانما ائمه علی الذین یدلکونه
و قد حرر بالخیر و الیمین و السعادة فی ذی القعدة لالف و مائین و احدی و ثلاثین مضین من الهجرة النبویة
علی هاجرها آلاف الثناء و التحیة.

در خبر است از سید کائنات و خلاصه موجودات، نجبه بشر، شافع محشر، قبله اصفیا، خاتم انبیاء، محمد مصطفی، علیه التحیة و الثناء، انه قال فی خطبة له علیه السلام:

«الدنیا دار فناء، و منزل بلغة و عناء، قد نزع عنها نفوس السعداء، و انتزعت بالکرة من ایدی الاشقیاء، فاسعد الناس بها ارغیهم عنها، و اشقاهم بها ارغیهم فیها، فهی الفاتنة [کذا] لمن استفتحها [کذا] و المغویة لمن اطاعها، الفائز من اعرض عنها، و الهالک من هوی فیها، طوبی لعبد اتقى فیها ربّه، و قدّم توبته، و غلب شهوته، من قبل ان تلقیه الدنیا الی الآخرة، فیصبح فی بطن موحشة غبراء، مدلهمة ظلماء، لا یستطیع ان یرید فی حسنة، و لا ینقص من سیئة، ثم ینشر فیحشر إما الی جنة یدوم نعیما، أوالی نار لا ینفد عذابها.»^(۴۷)

و عن علی علیه السلام: «الدنیا دار مجاز و الآخرة دار قرار، فخذوا من ممرکم لممرکم، و لاتنهتکوا استارکم عند من یعلم اسرارکم، و اخرجوا من الدنیا قلوبکم من قبل ان یرج منها ابدانکم، ففیها اخترتم و لغيرها خلقتم، ان المرء اذا هلک قال الناس: ماترک، و قالت الملائكة: ما قدّم، لله أبأؤکم فقدّموا بعضاً یکن لکم (قرضاً) و لاتخلفوا کلاً فیکون علیکم (کلاً).»^(۴۸)

چو دست رسد تخم نیکو بکار
که حسرت بری روزگار درو
از این سو عمارت به دیگر سرای
فری برتر از فرّ جمشید نیست
همان کاویان اختر تابناک
که نیکی بهشتی است خود جاودان

جهان چیست دانی، یکی کشتزار
ز کشتن به هنگام، غافل مشو
نهادند مردان باهوش و رای
که گیتی سپنج^(۴۹) است و جاوید نیست
نهفتش کنی بسذر در تیره خاک
ولی نسام نیکو نماند نهان

پس خوشا وقت نیکیبختی که ندای: ﴿ما عندکم ینفد و ما عندالله باق﴾^(۵۰) در نیوشد،

۴۴- به بخش پنجم بعد از پایان وقتنامه نگاه کنید.

۴۵- شناخته نشد.

۴۶- به بخش ششم رجوع شود.

۴۷- مأخذ حدیث یافت نشد.

۴۸- نهج البلاغه چاپ عبده، خطبة ۱۹۸. کلمه «قرضاً» و «کلاً» در نهج البلاغه نیست.

۴۹- سپنج: عاریت.

۵۰- نحل: ۹۶.



با رجای ﴿ثواب الله خير لمن آمن وعمل صالحاً﴾^(۵۱) به اندازه طاقت در مراسم طاعت کوشد، خطاب: ﴿يا ايها الذين آمنوا انفقوا من طيبات ما كسبتم من قبل ان ياتي يوم لا بيع فيه ولا خلة﴾^(۵۲) به گوش جان شنود.

از مؤدای ﴿انما هذه الحياة الدنيا متاع﴾^(۵۳) غافل نشود. در معنی ﴿يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وابتغوا اليه الوسيلة﴾^(۵۴) نیک بنگرد. ندامت ﴿کم ترکوا من جنات و عيون و زروع و مقام كريم﴾^(۵۵) آسان نشمرد. سودای ﴿الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله كمثل حبة انبتت سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبة﴾^(۵۶) در عرصه جهان که بازار عمل است غنیمت داند. نعمت فانی دهد نعيم باقی ستاند در زمرة ﴿اولئك يسارعون في الخيرات و هم لها سابقون﴾^(۵۷) آید. شرف ﴿و من يقترف حسنة نزد له فيها حسنا﴾ کسب نماید.

سرای جاوید به نوید ﴿مثل الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله كمثل حبة بريرة اصابتها وابل فانت اكلها ضعفين فان لم يصبها وابل فقل﴾^(۵۸) عمارت دهد. پروردگارش به وعده ﴿اما ما ينفع الناس فيمكث في الارض﴾^(۵۹) منت نهد.

چنان که ایزد تعالی این جمله مکارم و از این بیش، در ذات مسعود و وجود مقدس و گوهر پاک حضرت خداوندی، آناله الله آماله، فراهم آورد، و سعادت هر دو گیتی در فطرت شریفش جمع کرده، پشت شوکت قوی ساخته، پایه دولت برافراخته، حضرتش را مقصود دوستان خواسته و محسود دشمنان، والحمد لله على ذلك حمداً لا يبلغه احد و لا يحصى بعدد.

پروردگارش چنان که در این گیتی در خور افزونی دیده و برتری داده، در آن جهان نیز کرامت کند و از این بیان که نامش به نیکی برآورده و جاوید کرده، وجودش نیز پاینده دارد، هر چه مرادش، پیوسته به فضل خویش برآرد، هر دو جهانش به حسن عنایت معمور کند، روزگارش به حسن عاقبت تشریف بقا فرماید، ذاتش از مکاره بپردازد، امیدش بجز حضرت رفیع خویش نیاندازد، توفیقش بیفزاید، ثوابش مضاعف نماید، حسناتش درپذیرد، از سیئاتش درگذرد، طاعتش در جرگه ﴿اولئك الذين نتقبل عنهم احسن ما عملوا﴾^(۶۰) قبول کند، دولتش را قوام دهد، نوبتش را دوام فرماید

جزا دهند به مکبیل نیک و بدیمیای
سپیدنامه و خوشدل به نزد بارخدای
که بار دیگرش از سینه بر نیاید وای
بتأمین الملائک فسی السماء

به روز حشر که فعل بدان و نیکان را
جریده عملش عفو باد و توبه قبول
به ...^(۶۱) باد آن که بد بر او خواهد
دعوت و قد نصرت لدى الدعاء

خط ملا ابوطالب شیرازی جلد نقاشی، کاغذ ترمه،
قطع وزیری، مجدول، مذهب.
خط وسط، جلد تیماج^(۷۰) مشکى، کاغذ فستقى^(۷۱)،
قطع وسط.
بزرگ خط زنجانی، قطع وزیری، کاغذ فستقى،
مذهب، مجدول.

خط ملا عبدالله، بغلی، مجدول، مذهب، وقف
مدرستین.
خشتی، وقف مدرستین^(۷۲).
بزرگ، جلد روغنی^(۷۳)، وقف مدرستین.
خط وسط، وزیری، وقف مدرستین.
وزیری، وقف مدرستین.
رحلی^(۷۴) قطور بزرگ، مجدول، مذهب، وقف
مدرستین.

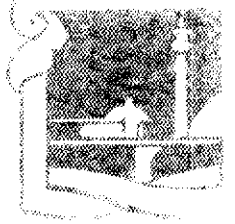
[هنگامی که نسخه های خطی مدرسه را فهرست
می کردم حدود سی قرآن در آنجا بود که تعدادی از این

همان طور که در مقدمه مقاله گفته شد، موارد ششگانه
موقوفات که در اثناء وقفنامه درج شده بود را بعد از پایان
وقفنامه قرار دادیم در شش بخش:

۱- کتب مخصصة مدرسه بزرگ^(۶۲)

کلام الله مجید
خط میرزا شفیع ... جلد ساغری^(۶۳)، کاغذ ترمه^(۶۴)،
قطع وزیری^(۶۵)، مجدول^(۶۶)، مذهب^(۶۷).
خط آقا محسن ...، مذهب، قطع وزیری، جلد
ساغری، محشی^(۶۸).
خط آقا محمدعلی عصار، مترجم^(۶۹)، مذهب،
مجدول، قطع وزیری، کاغذ ترمه، جلد نقاشی، کار
آقامیرزا رضا بابای نقاش باشی.
خط ملا ابوطالب شیرازی، جلد نقاشی، کاغذ ترمه،
قطع کوچک، مجدول، مذهب.

- ۵۱- قصص: ۸۰.
- ۵۲- بقره: ۲۵۴.
- ۵۳- غافر: ۳۹.
- ۵۴- مائده: ۳۵.
- ۵۵- دخان: ۲۵ و ۲۶.
- ۵۶- بقره: ۲۶۱.
- ۵۷- مؤمنون: ۶۱.
- ۵۸- بقره: ۲۶۵.
- ۵۹- رعد: ۱۷.
- ۶۰- احقاف: ۱۶.
- ۶۱- در این مصراع دو کلمه درست خوانده نشد.
- ۶۲- همان طور که در وقفنامه آمده، مرحوم خان دو مدرسه یکی بزرگ و دیگری کوچک و متصل به آن بنا کرده است.
- ۶۳- ساغری (چرمی) جلدی که با چرم پوست کفل چهارپایان مانند اسب و استر ساخته می شد.
- ۶۴- قسمی کاغذ آهاردار زرافشان گرانها ... (الغنتامه دهخدا)
- ۶۵- تقریباً ۲۵ سانتیمتر و طول و ۱۶ سانتیمتر عرض.
- ۶۶- یعنی نوشته های صفحات داخل جدول زرین یا غیرزرین است.
- ۶۷- طلاکاری و زراندود شده.
- ۶۸- در اطراف صفحات حاشیه نویسی دارد.
- ۶۹- یا ترجمه فارسی.
- ۷۰- چرمی.
- ۷۱- فستق: پسته و گویند مقصود کاغذ به رنگ مغز پسته ای است.
- ۷۲- مدرسه بزرگ و کوچک.
- ۷۳- جلدهای روغنی نوعی از جلد است که بسیار دلنشین و زیبا می باشد و سهم نقاش و مذهب و خوشنویس در تهیه آن از سهم صحاف بیشتر است و مانند قلمدان های سابق است.
- ۷۴- تقریباً ۴۰ سانتیمتر طول و ۲۵ سانتیمتر عرض.



سیزده قرآن (نه همه آنها) نیز در میان آنها دیده می‌شد.]

ادعیه

صحیفه کامله، قطع کوچک، جلد نقاشی، مجدول، مذهب، مترجم، محشی، کاغذ ختائی^(۷۵).

صحیفه، قطع کوچک، جلد ساغری، مجدول، مذهب، مترجم، محشی، کاغذ دولت آبادی^(۷۶)، زرافشان^(۷۷).

بلدالامین و صحیفه کامله و ادعیه السرو محاسبه النفس اللوامة، جلد نقاشی، مجدول، مذهب، کاغذ دولت آبادی، محشی، وزیری.

مهج الدعوات، جلد ساغری سفید، وزیری، مذهب، قطع کوچک.

زادالمعاد، قطع کوچک، جلد زرافشان، مجدول، مذهب، کاغذ ترمه.

دوازده امام خواجه نصیر، خط اسماعیل میرزا، قطع وزیری، کاغذ ترمه، جلد تیماج قرمز، مجدول، مذهب. مناجات خمسة عشر، کاغذ ترمه، قطعه^(۷۸)، مجدول، مذهب، جلد تیماج قرمز.

جامعه قدسیه، قطع وزیری، کاغذ زرافشان، مجدول، مذهب، محشی، جلد تیماج قرمز.

زادالمعاد، قطع وزیری، جلد نقاشی، مسجدول، مذهب، کاغذ ترمه.

شرح صحیفه مسمی به ؟

ادعیه تعقیبات، کوچک، مجدول، مذهب. پنج سوره که بعد صلوات خوانده می‌شود، مذهب، مجدول.

بیاض ادعیه، خط میرزا احمد نیریزی^(۷۹) قرمز یک لائی (ظ)

بیاض کوچک، ادعیه صلوات.

کتاب سماء و عالم بحار... خوش خط، مجدول، مذهب، مرصع^(۸۰) [این کتاب از کتب ادعیه نیست]

مصباح کفعمی، مذهب، مجدول، خوش خط، محشی، وزیری، بسیار خوب.

امان الاخطار، بغلی، جلد تیماج زرد.

مصباح متهجّد شیخ طوسی.

صحیفه سجادیه، قطع کوچک. (در حاشیه نسخه نوشته شده: این ده جلد از ۲۳ تا ۳۲ در وقفنامه اصل مرقوم نیست.)

تفاسیر

مجمع البیان، قطع بزرگ، کاغذ ترمه، مجدول، مذهب، محشی، جلد ساغری مشکی، تمام.

کشاف، قطع بزرگ، جلد ساغری مشکی، کاغذ ترمه، مجدول، مذهب، تمام.

تفسیر فیض دکنی بی نقطه، جلد تیماج قرمز، کاغذ دولت آبادی، قطع وسط، تمام.

تفسیر صافی، کاغذ فستقی، جلد تیماج قرمز.

تفسیر قاضی، تمام، جلد تیماج سیاه، کاغذ فستقی، قطع بزرگ.

حاشیه ملاسعد بر کشاف در دو جلد، قطع وسط، جلد تیماج آبی، کاغذ دولت آبادی.

تفسیر شیخ حرّ، تا سوره اعراف، جلد تیماج مشکی، قطع وسط.

تفسیر آیه الکرسی از ملاصدرا، جلد تیماج قرمز.

تفسیر زواره ای، قطع بزرگ، کاغذ دولت آبادی، مجدول، مذهب، جلد ساغری.

نصف تفسیر حاجی رضا^(۸۱)

نهج البلاغه و شروع آن

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، مجدول در چهار جلد. ۱- قطع بزرگ، جلد تیماج قرمز، مجدول. ۲- قطع بزرگ، جلد ساغری سیاه، کاغذ ترمه، مجدول، مذهب. ۳- قطع بزرگ، جلد تیماج قرمز، کاغذ فستقی، محشی. ۴- قطع بزرگ، جلد تیماج زرد، کاغذ دولت آبادی.

شرح صغیر ابن میثم، جلد تیماج آبی، قطع وزیری.

شرح فارسی میرزا باقر، قطع بزرگ، کاغذ ترمه، مجدول، مذهب، جلد نقاشی، تمام در دو مجلد.

نهج البلاغه، جلد ساغری مشکی، قطع وزیری، مجدول، مذهب، محشی، کاغذ ترمه.

غرر و درر حضرت امیر، قطع بزرگ، جلد تیماج آبی، کاغذ فستقی، مترجم.

مجموعه النادر، قطع کوچک، جلد تیماج قرمز، مجدول.

احادیث

اصول کافی، جلد ساغری مشکی، مجدول، مذهب، محشی، کاغذ ترمه.

من لایحضر، تمام، قطع بزرگ، جلد تیماج آبی.

استبصار، تمام، قطع بزرگ، مجدول، جلد تیماج آبی.

تهذیب، قطع بزرگ، جلد تیماج مشکی.

جلاء العیون، قطع بزرگ، کاغذ فستقی، جلد تیماج قرمز.

ترجمه حدیث نبوی، صلی الله علیه و آله، و یک خطبه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از مرحوم میرزا ابوالقاسم، قطع کوچک، جلد تیماج قرمز.

بحار الانوار، قطع بزرگ، جلد تیماج قرمز، کاغذ فستقی، چند جلد.

۷۵- یا چینی کاغذی که در «ختا» می‌ساخته‌اند و کاتبان خراسانی بیشتر از آن بهره می‌برده‌اند.

۷۶- در دولت‌آباد ساخته می‌شد.

۷۷- کاغذی که زران‌دود شده باشد و طلا بر آن پاشیده باشند.

۷۸- ورقی که به خطی خوش خوشنویسی شده باشد قطعه نامیده می‌شود.

۷۹- همان خطاط معروف و مشهور.

۸۰- اگر در نقش و نگارهای صفحات غیر از آب طلا، لاجورد و امثال آن به کار رفته باشد آن نقش را مرصع گویند.



کتاب فقه و اصول فقه

مفاتیح ملامحسن، مجدول، محشّی، قطع وسط.
[شرح] دروس آقاحسین، قطع وسط، جلد تیماج قرمز.

شرایع، تمام، قطع بزرگ.

ارشاد علامه، قطع وسط.

شرح کبیر، تمام، قطع بزرگ، کاغذ فستقی، در چهار مجلد.

رساله جهاد آقاسیدمحمد، قطع کوچک، جلد تیماج قرمز.

غنائم مرحوم میرزا ابوالقاسم، قطع بزرگ.

مرشد العوام مرحوم میرزا ابوالقاسم، قطع وزیری، کاغذ فستقی.

معتمضم الشیعه ملامحسن، قطع بزرگ، جلد تیماج آبی.

مصایب العباد آقاسیدمحمد، مجدول، مذهب، جلد نقاشی، کاغذ ترمه.

حاشیه آقاجمال بر شرح لمعه، قطع بزرگ.

قوانین مرحوم میرزا ابوالقاسم، قطع بزرگ.

رساله زکاة شیخ حسن، قطع کوچک، جلد تیماج.

حق المبین شیخ جعفر.

کتاب حدائق، جلد مشکی، رحلی.

صلاة حدائق، جلد مشکی و قرمز، در دو جلد. (در حاشیه نسخه نوشته شده: این دو جلد ذیل در نسخه اصل نیست)

از جمله کتبی که بعد از فوت واقف استکتاب شده بدین تفصیل است:

مطالع الانوار جناب مجتهد العصر حاج سیدباقر سلمه الله تعالی، کاغذ فستقی، رحلی، جلد قرمز تیماج، به خط نسخ در سه مجلد.

کتاب ادب و تواریخ

صحاح جوهری، تمام، کاغذ ترمه، قطع وسط، در دو جلد.

صحاح جوهری، مجدول، مذهب، معرب^(۸۱)، تمام، قطع وسط.

قاموس، تمام، مجدول، مذهب، قطع وسط، کاغذ دولت آبادی.

نهاية اللغة، قطع بزرگ، جلد تیماج مشکی، کاغذ دولت آبادی، تمام.

برهان قاطع، قطع بزرگ، جلد تیماج قرمز.

شرح جامی، قطع وسط، محشّی.

شرح ابن ناظم، قطع بزرگ.

شرح عصام بر جامی، قطع وسط.

مغنی اللیب

مستطرف، قطع بزرگ، جلد تیماج قرمز.
کتاب جنگ، مجدول، قطع بزرگ.

اطباق الذهب، قطع وسط.

انوار الربیع، قطع بزرگ، کاغذ دولت آبادی، جلد تیماج قرمز.

مثل السائر و فلک الدائر، و رساله در نحو از زمحشری، کاغذ دولت آبادی، قطع وزیری.

قلائد العقیان، قطع بزرگ، جلد تیماج قرمز، کاغذ فستقی.

شرح رساله ابن زیدون، قطع وسط، جلد تیماج قرمز.
رسائل صابی، قطع وسط، جلد تیماج قرمز.

رحلة البلدیة (البدریة)، قطع وسط، کاغذ فستقی، مجدول.

محاضرات راغب، قطع وسط، کاغذ دولت آبادی.
قدری از مقامات بدیع الزمان همدانی و حریری و

رسائل دیگر، قطع وسط، کاغذ فستقی.
غرر و درر سید مرتضی، کاغذ دولت آبادی،

مجدول، مذهب.
سلافه، کاغذ فستقی، جلد تیماج قرمز.

رساله عروض و درایة الحدیث و واردات قلبیه ملاصدرا، قطع وسط.

اعراب حماسه و شرح بدیعیه شیخ صفی الدین و رساله ابن ...، قطع وسط.

کتاب قصائد عربی.
دیوان سیدرضی، قطع بزرگ، کاغذ فستقی.

محاضرة الاوائل و کنوز الدقائق، قطع وسط.
مقامات حریری، کاغذ ترمه، مجدول، جلد تیماج آبی.

مروج الذهب، تمام، قطع بزرگ، جلد تیماج آبی.
نصف اوّل مروج الذهب، قطع وزیری، جلد تیماج

زرد.
لب لباب، قطع وزیری، جلد تیماج قرمز.

نصف تاریخ ابن خلکان، قطع بزرگ، جلد تیماج آبی.

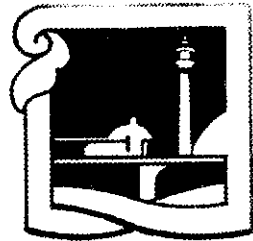
تهذیب منطق و تلخیص المفتاح در یک مجلد.
کتاب حکمت و کلام و اخلاق

اخوان الصفا، مجدول، مذهب، کاغذ ترمه، قطع بزرگ، جلد ساغری.

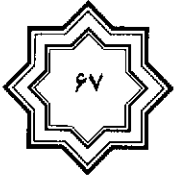
رسائل حکمای یونان، قطع بزرگ، جلد ساغری مشکی، مجدول، مذهب، کاغذ ترمه.

رسائل بابا افضل، قطع بزرگ، کاغذ دولت آبادی، مجدول، مذهب.

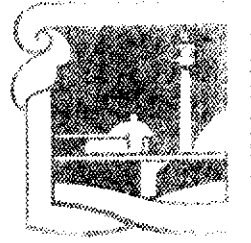
۸- اعراب گذاری شده.



- نصف احیاء العلوم، قطع بزرگ، جلد تیماج آبی.
مرصاد العباد شیخ نجم الدین دایه، قطع وسط، کاغذ دولت آبادی.
قلائد الفرائد، قطع وسط، کاغذ دولت آبادی، مجدول.
زبدة المعارف ملا علی اکبر ایجه، کاغذ فستقی، جلد ساغری مشکی، قطع بزرگ.
کتاب الذریعة الی مکارم الشریعة، قطع وسط، کاغذ دولت آبادی.
الانوار البدریة، تمام، قطع بزرگ.
ایضاً الانوار البدریة، تمام، قطع وزیری.
اصل الاصول ملا نعیم، مجدول، جلد تیماج آبی.
کتاب معاد ملا نعیم، جلد تیماج آبی، مجدول.
الفصول المهمة فی معرفة الائمة، مجدول، کاغذ دولت آبادی.
شوارق ملا عبدالرزاق.
حاشیة ملا میرزا جان بر حکمة العین.
حاشیة قدیم.
شرح تجرید اصفهانی.
حاشیة میر بر شرح تجرید.
حاشیة ...
جام جم شیخ حسن رساله در بیان مذهب وهابی.
حاشیة میر بر مطالع.
درة التاج، قطع بزرگ، جلد تیماج.
تحفه حکیم صالح.
قانون بزرگ، مذهب، مجدول.
حدیقة الانوار.
حاشیة بر فخری.
[کتاب] مشترکة مدرسة بزرگ و کوچک.
ادهیة.
امان الاخطار.
تفاسیر
تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام.
تفسیر علی بن ابراهیم.
جلد اول تفسیر قاضی.
تفسیر تبصیر الرحمن.
تفسیر آیه نور و رساله لباب العقائد و رساله زوراء.
ربع تفسیر مجمع البیان.
ربع تفسیر امام فخر رازی.
حاشیة شیخ بهائی بر تفسیر قاضی.
آیات الاحکام.
حاشیة میر سید شریف بر تفسیر کشاف.
نصف تفسیر نور الثقلین.
حاشیة بر کشاف (در حاشیة نسخه نوشته: این چهار جلد آخر در نسخه اصل نیست).
تفسیر معانی التنزیل.
عبدالحکیم بر تفسیر قاضی.
تفسیر قاضی، تمام.
احادیث
استبصار.
فروع کافی.
مشارق الانوار.
جامع الاخبار.
من لایحضر.
خلاصة الاقوال علامه.
عیون اخبار الرضا.
رجال میر مصطفی.
وافی ملامحسن از زکات الی زیارات.
تهذیب، تمام، در دو جلد.
خصال ابن بابویه.
تعلیق آقا محمد باقر بر رجال میرزا محمد.
رجال شیخ عبدالنبی.
رجال کبیر میرزا محمد.
سماء و عالم بحار.
رعایه در علم درایه و حاشیة بر شرح مطالع.
حاشیة بر اصول کافی.
الفصول المهمة.
شرح اصول کافی ملامحمد صالح، از کتاب حجة الی روضه.
جلد آخر تهذیب.
جواهر العوالی (در حاشیة نوشته شده: بعد از جواهر العوالی یک قلم از نسخه محکوک شده).
کمال الدین و اتمام النعمة.
اربعین شیخ بهائی.
امالی صدوق علیه الرحمة.
بحار الانوار، چند جلد.
اعتقادات ابن بابویه. (این سه قلم آخر بعد از اربعین در نسخه اصل نیست).
ترجمة انجیل.
مشکاة حدیث.
انجیل.
اصول کافی.
احتجاج طبرسی.
روض الجنان.
کتاب در فضیلت علی بن ابی طالب علیه السلام.



- فروع کافی و قدری از روضه کلینی .
 شمائل النبی صلی اللہ علیہ و آلہ . (در حاشیه نوشته :
 این ۹ جلد فوق در نسخه اصل نیست .)
فقه و اصول
 مناہج ملااحمد نراقی
 مفتاح ایضاً آخوند ملااحمد .
 مطالع الانوار آفاسیدباقر رشتی .
 مفاتیح ، تمام .
 ایضاً مفاتیح ، تمام ، در دو جلد .
 شرح لمعه ، تمام .
 معالم الاصول ، در دو مجلد . (؟)
 مختلف الشیعه ، در دو مجلد .
 حاشیه بر معالم .
 جلد اول شرح لمعه .
 قوانین ، دو جلد .
 حاشیه آفاجمال بر طهارت شرح لمعه .
 ملا میرزا بر شرح مختصر الاصول .
 شرح مفاتیح آقامحمدباقر .
 جلد اول قواعد علامه .
 حاشیه آقا محمدباقر بر معالم و فوائد آقامحمد باقر .
 شرح جواد بر زبده .
 حاشیه شیخ علی بر ارشاد الازهان .
 مفاتیح الاصول آقا سیدمحمد مرحوم .
 میر بر مختصر الاصول .
 ابهری .
 شرح ارشاد . (در حاشیه نوشته شده : این چهار جلد از
 حاشیه شیخ علی به بعد در نسخه اصل نیست .)
 رساله عقائد آفاجمال و رساله رضاعیه و رساله میراثیه
 میرداماد .
 شرح سیدصدر و شرح آقا سیدمهدی بر وافیه .
 زبده الاصول .
 ذکری ، تمام .
 نہایۃ الاصول .
 شرح ملامحمد صالح بر زبده .
 نکات شہیدیه .
 دروس .
 کفایہ ملامحمد باقر سبزواری .
 شرح عمیدی بر تہذیب .
 معالم اصول و فروع .
 شرح مختصر الاصول .
 ملا میرزا جان بر شرح مختصر اصول .
 تہذیب الاصول .
 تذکرۃ الفقہاء .
- شرایع ، تمام .
 عقائد صدوق .
 شرح شرح .
 رسالہ ملا محسن در صلاۃ جمعہ .
 ملا میرزا بر معالم با دو رسالہ دیگر .
 شرح مفاتیح آقاهادی .
 قواعد علامہ در دو جلد .
 حاشیہ ملا محمد صالح بر معالم .
 معالم .
 شرح لمعه در دو جلد .
 قبس الاقتداء .
 الفیہ و قاعدہ اجتهاد (؟)
 رسالہ جعفریہ .
 مدارک .
 کتاب معالم و تنزیہ الانبیاء .
 قواعد شہید .
 حاشیہ ملا میرزا .
 حاشیہ آفاجمال بر شرح لمعه .
 شیخ علی بر شرح لمعه . (در حاشیہ نوشته شدہ : این
 چہارہدہ قلم بعد از ملا میرزا بر معالم در نسخہ اصل
 نیست)
کتب حکمت و کلام و اخلاق
 حکمۃ العین .
 ملا میرزا جان بر حکمۃ العین .
 حاشیہ سیدصدر شیرازی بر حکمۃ العین .
 حاشیہ قدیم .
 ملا میرزا جان بر حاشیہ قدیم .
 شرح اشارات .
 محاکمات .
 تعلیق اشارات .
 شرح تجرید .
 طبیعیات شفا .
 خفری .
 حاشیہ میرفخر سماکی بر ہدایہ .
 نہج الحق علامہ .
 شوارق و حاشیہ آفاجمال بر خفری .
 حاشیہ ملا عبدالرزاق بر خفری .
 الہی (؟) ملا عبدالرزاق .
 حاشیہ خفری و ملا میرزا جان بر حکمۃ العین .
 شرح تذکرہ خفری .
 حاشیہ ملا شمس .
 شرح تجرید ملا علی قوشجی .
 حکمۃ العین و قدری حاشیہ ملا میرزا .



رسالة محمد بن مسكويه در علم اخلاق .
شرح موافق .
حاشیه آقارضى قزوینی بر خفری مسمی به كحل
الابصار .

شرح هیاكل .

شرح شمسیه .

شرح فصوص .

رسالة کلید بهشت حکیم سعید با دو رساله دیگر .

عین الیقین .

شمع الیقین .

علم الیقین .

رسالة ملا نعیم .

معادن الحکمة .

مجموعه مشتمله بر رسائل کثیره .

نوادرالعلوم .

شرح الزبارة شیخ احمد ... هفت جلد (در کتابخانه

فعلاً یک دوره در چهار جلد موجود است)

تنقیح المناظر .

شرح تجرید .

مجالس المؤمنین . (در اینجا نوشته شده : این یازده قلم

در نسخه اصل نیست) و گویا یازده نسخه بعدی منظور

است .

ریاضی و حساب و نجوم

شرح چغمینی .

معونة الحساب .

شرح شمسیه حساب .

شرح لاری .

خلاصة الحساب .

حاشیه ابن حجر و رساله زوراء و رساله دیگر در

هندسه (به فهرست نسخه های خطی ص ۱۲۴ رجوع

شود) .

تحریر اقلیدس .

فارسی حساب .

شرح ملا عبدالعلی بیرجندی بر اسطرلاب .

ملا عبدالعلی بر چغمینی .

شرح زیج .

ادب

تنبیه (ابن حمزه اصفهانی) .

رساله ... و رساله در علم ...

شرح جامی .

شرح سیوطی با شواهد .

شرح قطر .

جاربردی .

مختصر تلخیص .

مطول دو جلد .

حاشیه خطائی دو جلد .

مغنی اللیب ، تمام .

شرح مزاج .

شواهد مطول میرزا کمال .

تصریح .

شرح رضی .

شرح شافیه .

شرح تصریف .

شرح شاطبی .

حاشیه غفور بر جامی .

عماد (حاشیه) .

منهاج امام غزالی .

شرح کافی .

میر بر مطول .

شرح مفتاح سگاکلی .

شافیه صرف .

حاشیه میر بر شرح شمسیه .

قصیده برده .

مطول .

حاشیه خطائی بر تلخیص (در حاشیه نوشته شده : این

پنج قلم اخیر در نسخه اصل نیست) .

۲- املاک موقوفه مدرسه

قریه صادق آباد^(۸۲) واقعه در بلوک ... محدود به حدود

اربعه با قلعه و دهکده و قنات و انهار و جداول و باغ و

بیوتات و حمام بالتمام و اراضی .

حدی شمالی به خیابانی که از زاویه مقدسه^(۸۳) به

ورامین عبور می شود .

حدی جنوبی به رودخانه ...

حدی غربی به ده خیر^(۸۴) .

حدی شرقی به قرچک .

باغ واقعه در جنب عمارات جناب واقف محدود به

حدود اربعه بالتمام به انضمام یک روز آب از قنات مهرجرد

در گردش هفته .

حدی به عمارات واقف و سبزی کار مرحوم نوروزخان

قاجار .^(۸۵)

حدی به شارع عام .

حدی به بیوتات فرمایشی دیوانه و طویله مهر علیخان .

حدی به عمارات مرحوم نوروزخان قاجار و خانه های

آقاهاشم فرآش خلوت .

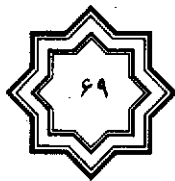
یخچال واقعه در جنب مدرسه به انضمام یک باب خانه

۸۲- صادق آباد ورامین .

۸۳- شهری: حضرت
عبدالمعظم(ع) .

۸۴- ده خیر دمی است از
دهستان غار بخش ری
شهرستان تهران ... (لغتنامه
دهخدا)

۸۵- سقاخانه نوروزخان
نزدیک مسجد شاه (امام) تهران
معروف است .



شماره ۱		شماره ۲	
مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه
مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه
مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه
مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه
مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه
مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه
مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه
مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه
مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه	مدرسه کهنه

نمونه ای از نسخه اصل وقف نامه
(مورد پنجم از موقوفات مدرسه)

که به روی یخچال مزبور واقع است، محدود به حدود اربعه.

حدی به جلوخان مدرسه و خود مدرسه.

حدی به شارع عام.

حدی به شارع عام.

حدی به مدرسه کوچک و شارع عام.

حمام واقعه در جنب مدرسه موقوفه محدود به حدود اربعه بالتمام.

حدی به بیوتات خلوت میرزا اسماعیل خان (۸۶)

حدی به مدرسه موقوفه.

حدی به شارع عام.

حدی به شارع عام.

حمام واقعه در جنب عمارات جناب واقف محدود به حدود اربعه.

حدی به شارع عام.

حدی به شارع طویل جناب واقف.

حدی به طویل جناب واقف.

حدی به مطبخ سرکار جناب واقف.

۳- املاک موقوفه بر منبع آب

دکان علاقی (۸۷) واقعه در بازار محدود به حدود اربعه

بالتمام.

حدی به کاروانسرای میرزا اسماعیل

حدی به دکان قنادی ورثه آقابرار

حدی به دکان عطاری

حدی به شارع عام

دکان خبازی و دکه متصله به آن واقعه در محله

چاله میدان محدود به حدود اربعه بالتمام.

حدی به شارع عام

حدی به خانه احمدبیک افشار

حدی به حسینیه

حدی به حسینیه

دکان کبابی واقعه در سرگذر عودلاجان (۸۸) محدود به

حدود اربعه بالتمام

حدی به دکان اسدبقال

حدی به سقاخانه تکیه عودلاجان

حدی به خانه استاد ملک دباغ

حدی به شارع عام

۴- قباله جات

صورت قباله جات مفصله و بنیقات زمین مدرسه

بزرگ و موقوفات آن که به تفصیل حدود آنها در قباله و

بنیاق مفصل است:

از باب زمین مدرسه و حمام کوچک و خلوت اسماعیل

خان.

قباله یک قطعه زمین که از میرزا ابوتراب و میرزا آقا به اللهیاری خان علیچی [کذا] منتقل و در حشو قباله اللهیاری خان به سرکار جناب واقف فروخته است، یک طغرا.

قباله یک قطعه زمین که میرزابزرگ فراهانی به سرکار جناب واقف منتقل نموده است به عنوان مصالحه. یک طغرا.

قباله سه دانگ از شش دانگ یک قطعه زمین که محمدهادی و سایر ورثه کربلایی قاسمعلی بقال به سرکار جناب واقف فروخته. یک طغرا.

املاک موقوفه متعلقه به مدرسه بزرگ

قباله شش دانگ صادق آباد که جعفرقلی خان نوایی (نوایی) به سرکار جناب واقف فروخته، یک طغرا.

بنیاق دو رشته قنوات از قنوات صادق آباد که مسمی به دو برادران است که از آقا میرزای ولد و وکسیل قربانعلی خان مشهور به بیگلر خان تیل سر [کذا] به جعفرقلی خان نوایی منتقل شده. یک طغرا.

قباله سه دانگ مشاع یخچال و خانه ای که بر روی آن واقع است که جناب واقف از میرزا اسماعیل ناظر ایتباع فرموده اند. یک طغرا.

قباله شش دانگ باغ که از میرزا اسماعیل ناظر ایتباع شده. یک طغرا.

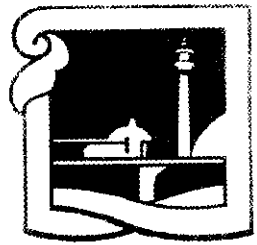
بنیاق سه دانگ مشاع از باغ و یخچال و خانه ای که بر روی آن واقع است که ورثه حاج آقا جانی طهرانی به حاج علینقی خان یزدی فروخته است. یک طغرا.

قباله ربع مشاع از سه دانگ باغ و یخچال و خانه مزبور که حاجی زین العابدین خان برادر حاجی علینقی خان

۸۶- ظاهراً همان پسر خوانده خان مروی است.

۸۷- محل فروش کاه و جو و گندم و زغال و هیزم و علوفه.

۸۸- عودلاجان محله ای است نزدیک محله یهودیه های تهران.



قباله شش دانگ یک باب دگان خبازی^(۸۹) که عالی جناب ملا محمد کرمانشاهی حسب الوصیه محمد شفیع بیک به آقا سید محمد طهرانی فروخته است و آقا سید محمد به سرکار جناب واقف فروخته. یک طغرا.

قباله یک باب دگان کبابی که آقا محمد حسین طهرانی به استاد محمد بنای طهرانی فروخته و در ظهر آن استاد محمد به حاج حسنعلی بنک دار طهرانی فروخته و در حشون آن حاجی حسنعلی مزبور به سرکار جناب واقف فروخته است. یک طغرا.

۵- وسائل و اسباب موقوفه بر حیاط خلوت

فروش و غیره، فروش و پرده و غیره:

مسند^(۹۰) قایینی دولا، یک فرد، به طول سه ذرع و نیم، عرض ...^(۹۱)

کناره قایینی یک لا، یک زوج، طول هفت ذرع، عرض یک ذرع.

قالی قایینی، طول شش ذرع و نیم، عرض ...

پرده گل دوزی جهت ارسی^(۹۲) طول ...، عرض ...

قالیچه شکری رنگ، طول دو ذرع، عرض یک ذرع.

ظروف:

آفتابه لگن دو دست.

تنگ یزدی ده عدد.

منقل بزرگ، عمل یزد، ده دانه.

جام و زیرجام و سرقوس^(۹۳) روسی، یک دست.

شمعدان مس دو عدد.

پیه سوز^(۹۴) مسی، سه عدد. (بزرگ دو عدد، کوچک

ده دست؟)

آفتابه جعفری^(۹۵) ده عدد.

قرا آفتابه^(۹۶) روسی ده دست.

یزدی به سرکار جناب واقف فروخته است. یک طغرا.

قباله سه دانگ دیگر از زمین مزبور که آقا بابا و سایر ورثه حاج آقا جانی بقال به سرکار جناب واقف فروخته. یک طغرا.

قباله یک قطعه زمین که کربلایی محمد جعفر عصار به وکالت ورثه مرحوم آقا محمد کریم طهرانی به سرکار جناب واقف فروخته است. یک طغرا.

قباله ثمن مشاع از سه دانگ باغ و یخچال و خانه که محمد جعفر خان به وکالت زوجه خود همشیره مرحوم حاجی علینقی خان است به سرکار جناب واقف فروخته است. یک طغرا.

قباله ثمن مشاع از سه دانگ باغ و یخچال که میرزا علیرضا یزدی به وکالت همشیره مرحوم حاجی علینقی خان و میرزا فخرالدین احمد به وکالت زوجه مرحوم مزبور به سرکار واقف فروخته. یک طغرا.

بنچق یک قطعه زمین مزبور که از آقای علی اصفهانی به آقا کریم طهرانی منتقل شده. یک طغرا.

مصالحه نامه اعیانی مدرسه از باب آنچه استاد آقا بابای معمار مباشر بوده است. یک طغرا.

قباله ربع مشاع از باغ و یخچال و خانه ای که حاج عبدالرحیم خان یزدی به سرکار جناب واقف فروخته است. یک طغرا.

قباله جات دکاکین موقوفه متعلقه چاه منبع و مسجدین مدرسه که حدود اربعه آنها در قباله جات مفصل است:

قباله شش دانگ یک باب دگان علاقی که میرزا علی محمد طهرانی به حاج حسنعلی بنک دار طهرانی فروخته و در ظهر همان قباله حاجی حسنعلی مزبور به سرکار جناب واقف فروخته است. یک طغرا.

۸۹- نانوائی.

۹۰- پستی.

۹۱- هر جاسه نقطه گذاشته ایم نوشته مانده و جایش خالی است.

۹۲- قسمی در که عمودی باز شود. قسمی در که گشودن و بستن آن به بر بردن و فرود آوردن است برخلاف درهای عسادی ... (الفتنامه دهخدا)

۹۳- معنایش معلوم نشد.

۹۴- چراغ هایی که به جای نفت در آن از پیه استفاده می شد.

۹۵- معنایش معلوم نشد.

۹۶- معنایش معلوم نشد.

